

# در نگارستان چین

(جستارهایی در باب مطالعات چین)



دکتر حامد وفایی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

نشر: مجمع ذخائر اسلامی

چاپ نخست: ۱۴۰۱ ش/۲۰۲۲ م

عنوان: 伊斯兰教数据库出版商



第一版: 二零二二年六月

# در نگارستان چین



جستارهایی در باب مطالعات چین از

دکتر حامد وفایی

عضو هیات علمی دانشگاه تهران



مجمع ذخائر اسلامی

1401 هـ ش - 2022 م

کليه حقوق اين اثر تحت قانون کپی رایت بوده و ترجمه يا چاپ تمام يا بخشی از مطالب آن و نیز درج تمام يا بخشی از آنها در ضمن بانکهای اطلاعاتی و تهیه برنامه های رایانه ای یا استفاده مطالب در اینترنت، شبکه های اجتماعی و دیگر ابزار و ادوات، به هر نحوی، بدون اجازه قبلی ناشر بصورت کتبی، ممنوع می باشد.

©2022 MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAI,

All rights reserved, No part of this book may be reproduced or translated in any form, by print, internet, photo print, microfilm, CDs or any other means without written permission from the publisher



مجمع ذخائر اسلامی - قم، ایران

این کتاب و دهها کتاب با موضوعات مشابه را از فروشگاه الفهرست تهیه کنید:

[www.alfehrest.com](http://www.alfehrest.com)



9786223040568

در نگارستان چین

مؤلف: دکتر حامد وفایی

چاپ: هوشنگی / صحافی: نفیس

نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۰۴-۰۵۶-۶

نوبت چاپ: ۱۴۰۱ هـ ش (۲۰۲۲ م)

شمارگان: ۱۰۰

ارتباط با ناشر: قم: غیابان طالقانی (آذر) - کوی ۲۳ - پلاک ۱ - مجمع ذخائر اسلامی

تلفن: ۰۹۸۰۷۷۱۳۷۴۰ + دورنگار: ۰۹۸۰۲۵۳۷۷۰ + واتساپ: ۰۹۸۰۶۳۴۴۹۰۳۸۰۴ (۰۹۸)

الحمد لله الرحمن الرحيم

|                         |                                                                     |
|-------------------------|---------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | : وفایی، حامد، ۱۳۶۳ -                                               |
| عنوان و نام پدیدآور     | : در نگارستان چین : جستارهایی در باب مطالعات چین/حامد وفایی.        |
| مشخصات نشر              | : قم: مجمع نخبای اسلامی، ۱۴۰۱.                                      |
| مشخصات ظاهری            | : ۳۰۵ ص.                                                            |
| شابک                    | : ۹۷۸-۶۲۲-۳۰۴-۰۵۶-۶                                                 |
| وضعیت فهرست نویسی       | : فیبا                                                              |
| عنوان دیگر              | : جستارهایی در باب مطالعات چین.                                     |
| موضوع                   | : چین -- مقاله‌ها و خطابه‌ها                                        |
| موضوع                   | : China -- Addresses, essays, lectures                              |
| موضوع                   | : چین -- روابط خارجی -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها                |
|                         | : China -- Foreign relations -- Addresses, essays, lectures         |
|                         | : ایران -- روابط خارجی -- چین -- مقاله‌ها و خطابه‌ها                |
|                         | : Iran -- Foreign relations -- China -- Addresses, essays, Lectures |
| رده بندی کنگره          | : ۵/۷۴۰ DS                                                          |
| رده بندی دیویی          | : ۵۱۰.۵۵/۳۲۷                                                        |
| شماره کتابشناسی ملی     | : ۸۹۹۰.۳۳۹                                                          |
| اطلاعات رکورد کتابشناسی | : فیبا                                                              |

طرح روی جلد: قطعه ای از کاشی منقش به طرح اژدهای چینی مکشوفه در

محوطه تاریخی تخت سلیمان - آذربایجان غربی

سده هشتم هجری - موزه ملی ایران

## فهرست مطالب

|          |                                                                              |
|----------|------------------------------------------------------------------------------|
| ۷.....   | مقدمه مولف                                                                   |
| ۱۱.....  | ابواب فرهنگی                                                                 |
| ۱۳.....  | ایران، چین و حکایت پرده سوم                                                  |
| ۴۱.....  | عمق استراتژیک تعاملی - فرهنگی ایران در چین                                   |
| ۵۵ ..    | بررسی ابعاد دیپلماسی فرهنگی چین در برابر آمریکا، افول آمریکایی یا خیزش چینی؟ |
| ۸۱.....  | درخشش اشعه اللمعات در چین                                                    |
| ۹۹.....  | "عباسه" راوی اندیشه‌های "جوانگ زه"!                                          |
| ۱۰۷..... | بررسی نسب نامه ملوک؛ نسخه خطی دو زبانه مغفول                                 |
| ۱۱۷..... | بررسی تطبیقی مفهوم «دانو» در فلسفه چین با «حرکت جوهری»                       |
| ۱۳۹..... | در بتان روم و چین جستیم، هست!                                                |
| ۱۵۷..... | شی زه جو، سیاستمدار و قرآن پژوه شاخص چینی                                    |
| ۱۶۵..... | چند کلام در معرفی جین زه یون، از علمای شاخص شانگهای چین                      |
| ۱۷۱..... | مختصری در باب یکی از چهار طریقت بزرگ صوفیان در چین: کبرویه                   |
| ۱۷۵..... | ابواب سیاسی                                                                  |
| ۱۷۷..... | چند نکته درباره جنگ تجاری چین و آمریکا                                       |
| ۱۸۱..... | در هنگ کنگ چین چه خبر است؟                                                   |
| ۱۸۵..... | نکاتی در باب وضعیت اسلام و مسلمین در چین                                     |
| ۱۸۹..... | چین چگونه از سد تحریم‌های آمریکا گذشت؟                                       |
|          | هفت توصیه به دستگاه دیپلماسی دولت سیزدهم جمهوری اسلامی درباره رابطه با       |
| ۲۰۷..... | چین                                                                          |
|          | بررسی سیر تطور رفتار پکن در چهار دوره «دیپلماسی سازمان های بین المللی چین»   |
| ۲۱۵..... | و نتایج آن                                                                   |

- جای خالی "چین شناسی ایرانی" در روابطی که قرار است راهبردی باشد..... ۲۳۹
- پیش نیاز اساسی برای تحقق مثلث طلایی روابط ایران و چین..... ۲۴۳
- نشانه‌های اولیه دیپلماسی چین دولت بایدن و "انتظار حکیمانه" پکن..... ۲۴۹
- چین چگونه کرونا را مهار کرد؟..... ۲۵۳
- تحلیل نگاه چینی به چندجانبه گرایی در حل و فصل مسائل جهانی در سایه کاهش  
تعهدات آمریکا..... ۲۶۳
- تحلیل نگاه چینی به انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا: انتظار نشستن دو پادشاه در یک اقلیم!.. ۲۸۱
- «طبل غزا» و گرای اشتباه رسانه‌های غربی درباره چین..... ۲۹۵
- برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های ایران و چین و چند جای خالی مهم!..... ۳۰۱

## «هو الفتاح العليم»

### مقدمه مولف

مطالعات چین که در جهان امروز به یکی از شاخه های مورد توجه تحقیقاتی و پژوهشی تبدیل شده و اغلب مراکز علمی و دانشگاهی غربی و شرقی به سوی آن گراییده اند، موضوعی است که در ایران هنوز از دوران طفولیت سر بر نیاورده و رسیدنش به مرحله بلوغ و از پس آن شکل گیری قرائتی بومی و ایرانی در نگاه به شرق و ارزیابی فرهنگ و تمدن چینی، محتاج گذشت زمان است.

نگاه به شرق، با علم به حقیقت جریان انتقال پتانسیل قدرت از حوزه آتلانتیک به محدوده پاسیفیک، راهبردی است که امروز بسیاری از کشورهای موثر در نظام بین الملل با تاکید ویژه بر چین در دستور خویش قرار داده و با تلاش در راستای تحقق "شناخت بی واسطه" از پرجمعیت ترین کشور جهان، ضمن رصد تحولات مرتبط با آن، به تحلیل ابعاد رابطه دیروز، امروز و فردای خود با هدف تامین منافع حداکثری می پردازند.

در سال های اخیر موضوع رابطه با کشور چین، از مسائل پربسامد در ادبیات روزمره ایرانیان و همچنین از مسائل مورد توجه دانشگاهیان کشورمان بوده است. مسئله برنامه ۲۵ ساله همکاری ایران با چین، تعیین چارچوب مشارکت جامع راهبردی برای مناسبات دو کشور و مباحثی از این قبیل بارها و بارها از رسانه ها یا در مقالات مختلف مورد اشاره قرار گرفته و از سمع و نظر اهل نظر و کارشناسان امر گذشته است.

صاحب این قلم را باور چنین است که شکل دهی به مناسبات راهبردی با

کشوری چون چین مطابق هدفگذاری تهران و پکن، بدون شناخت دقیق و صحیح از این تمدن کهن شرقی و از پس آن بدون پشتیبانی افکار عمومی به تعبیر رودکی در واقع "دگر نماید و دیگر بود به سان سراب"!<sup>۱</sup> و بر این اساس شکل دهی به چین شناسی ایرانی در کشور، نه یک نیاز سیاسی که ضرورتی اساسی و فوری متناسب با مقتضیات زمانه و شرایط جاری در نظام بین الملل است.

اما شناخت چین امروز به عنوان پر جمعیت ترین کشور جهان و اقتصادی که جایگاه آن مسیر تبدیل به نخستین قدرت جهانی شدن را در پیش گرفته به گونه ای غریب با مطالعه شرایط این کشور در ایام پیشین در هم آمیخته و اصولاً چین شناسی یا مقوله مطالعات چین جدای از مسائل فرهنگی - تمدنی این کشور اقدامی نابخردانه و بی نتیجه خواهد بود.

بر همین اساس مولف در فصل نخست این اثر یعنی "ابواب فرهنگی"، با گردآوری دوازده گفتار از تالیفات خود حول محور فرهنگ چین مقدمه ای را برای ورود ابتدایی به برخی مباحث سیاسی این کشور در فضای بین المللی فراهم آورده تا در فصل دوم یا "ابواب سیاسی" با مطالعه چهارده گفتار در فضای مسائل سیاسی مربوط به این کشور مهم، ذهنیتی از برخی مباحث جاری و مورد توجه ایرانیان در حوزه مطالعات چین برای مخاطبان گرانمایه واکاوی گردد.

اغلب مقالات و یادداشت های گلچین شده در این اثر پیش از این در رسانه ها، نشریات یا فضاهای مجازی منتشر شده و به درخواست دوستداران مباحث حوزه مطالعات چین و با هدف تسهیل در بهره گیری از مباحث مطروحه در قالبی منسجم با ذکر منبع اولیه در این مجموعه گردهم آمده است.

صاحب این قلم امید دارد تا با طرح مباحث موجود در این مجموعه، گامی ولو کوچک در مسیر مطالعات ایرانی چین برداشته و با کمال خضوع هر گونه نظر گرانبهای کارشناسان محترم، نقادان ارجمند یا اساتید معزز حوزه مطالعات چین،

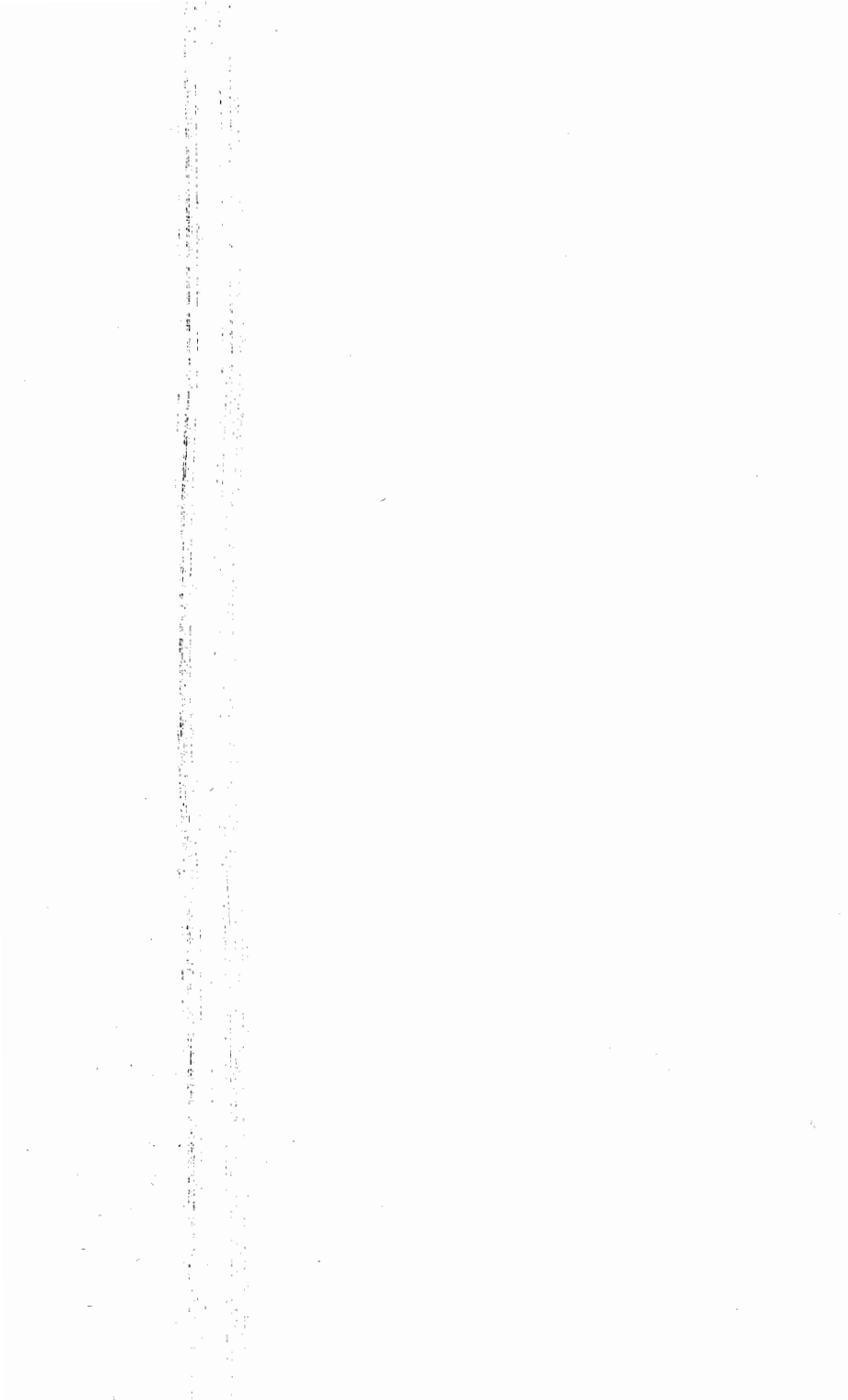
روابط بین الملل یا تاریخ، فرهنگ و زبان این تمدن عظیم را به گوش جان می شنود.

به امید تحقق چین شناسی ایرانی و شکل گیری آسیاپژوهی بومی در ایران عزیز!

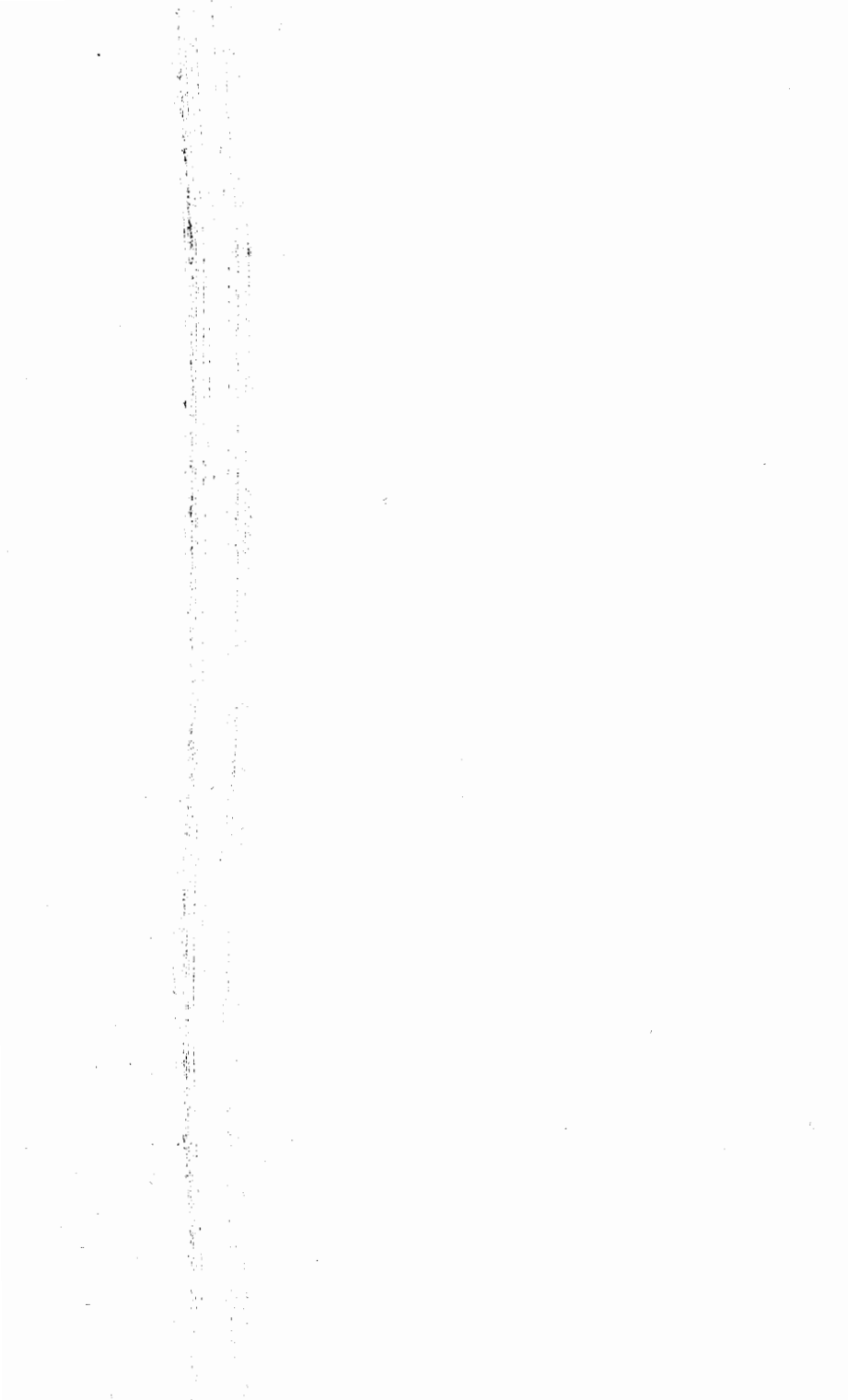
خرداد ۱۴۰۱

دانشکده زبان ها و ادبیات خارجی

دانشگاه تهران



# ابواب فرهنگى



## ایران، چین و حکایت پرده سوم<sup>۱</sup>

### چکیده

این نوشتار در پی تحلیل و واکاوی این نکته است که می توان از رهگذر ساماندهی و مدیریت گفتگویی بی واسطه بین تمدن های شرقی به ویژه ایران و چین به عنوان دو کشور تاثیرگذار در پهنه حکمت و معرفت جهانی، ضمن گسترش آگاهی و معرفت عمومی در فضای درون گفتمانی با چارچوبی شرقی - شرقی، علاوه بر رصد ریشه های مشترک اندیشه در جامعه بشری، در راستای تحقق بیش از پیش فضای گفتگوی غرب و شرق به عنوان یکی از نیازهای اصلی امروز جهان گام برداشت؛ در این میان یکی از مهم ترین، عملی ترین و بنیانی ترین مصادیق و ابزارهای چنین گفتمانی به جهت ارتباط عمیق، فراتاریخی و چند بعدی با نفوس شرقی، "ادبیات تطبیقی" محسوب می شود که در صورت محو واسطه های کنونی موجود میان کشورهای شرقی، به نمایان شدن رخ بی حجاب یار انجامیده و قابلیت حرکت از سیر در آفاق متون منشور و منظوم به مرحله سیر در انفاس، روحيات و اخلاقیات یک ملت را در پی خواهد داشت.

### دیباچه بحث

یکی از ضرورت های امروز جامعه بشری برای تحقق صلح و امنیت پایدار در سراسر گیتی، فراهم شدن مقدمات شکل گیری فضای «عقلانیت - معنویت محور»

---

۱ این نوشتار در همایش بین المللی ادبیات تطبیقی، امروز در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه تهران ارائه شده است.

بر مبنای مشترکات جوامع انسانی و مبانی قابل اتکای آنها در حوزه های مختلف است.

بدون شک به گفتگو نشستن تمدنها<sup>۱</sup> به عنوان ایده ای که در کلیت جامعه جهانی با استقبال مواجه شد از ضروری ترین لوازم شکل گیری این فضا است. پرواضح است که یکی از اساسی ترین مبانی محوری حرکت ایده ی گفتگویی با مختصات «تمدن ها» از پهنه بالقوه گی به عرصه فعلیت، آغاز و شکل گیری تحرکی برای «شناخت متقابل» تمدن های مورد بحث است که یکی از نتایج طبیعی آن «شناخت تطبیقی» خواهد بود.

نگارنده بر این باور است که شکل گیری گفتگوی تمدنها که تصریح اینده اولیه آن بر لزوم گفتگوی شرق و غرب بوده، مستلزم پیگیری و تحقق مقدمه ای اساسی است که بدون ظهور آن، شکل گیری گفتگوی شرق و غرب در ابعاد واقعی فرهنگی صرفاً در حد شعار و یا نهایتاً آرمان باقی خواهد ماند. مقدمه مذکور، شکل گیری «گفتگوی شرقی - شرقی» است که هر چند باید مقدم بر «گفتگوی غربی - غربی» باشد اما به میزان قابل توجهی مورد غفلت واقع شده است.

در این میان جایگاه ایران و چین به عنوان دو هویت شاخص و اثر گذار شرق عالم که سهمی بسزا در شکل گیری پایه های معرفتی بشری داشته و حجمی فربه از معارف بشری در حوزه های مختلف را به خود اختصاص داده اند، کاملن روشن و بی نیاز از هرگونه اثبات همچون آفتابی است که خود دلیل آفتاب است؛ اما در عرصه گفتگوی شرقی - شرقی، گفتگوی ایران و چین به رغم روابط دیرینه و مشترکات بی پایان و پیوندهای ناگسستنی تاریخی به مراتب مهجورتر از دیگر بازیگران عمده این پهنه بوده است. گفتگوی ایران و هند، شناخت متقابل ایران و مصر یا حتی ورود ایران و ژاپن به حوزه های شناخت متقابل و گفتگوهای فرهنگی مورد نظر، به مراتب پیش تر و بیش تر از گفتگوی ایران و چین بوده است.

این نوشتار در پی آنست تا ضمن بررسی مسئله کم رنگ شدن روابط معرفتی - شناختی ایران و چین طی یک قرن اخیر با بررسی نمونه ای عینی به تحلیل و آسیب شناسی مناسبات فرهنگی ایران و چین در حوزه «ادبیات تطبیقی» به عنوان یکی از مصادیق مهم گفتگوی معرفتی و فرهنگی دو کشور بپردازد. نمونه عینی مورد نظر برای ریشه یابی فضای مذکور، انتشار کتاب «دائوده جینگ»<sup>۱</sup> به عنوان یکی از مهم ترین آثار ادبی - فلسفی کلاسیک چین در بازار نشر ایران است.

اما از جمله نکات قابل توجه در عرصه بررسی ادبیات تطبیقی ایران و چین، حضور فعال و موثر بازیگری ثالث است که نگارنده از آن به عنوان «پرده سوم» یاد می کند. پرده سوم، حائلی آبگینه گون بین ایران و چین است که هر چند در وهله نخست، شمایی از رخ این دورا به یکدیگر می نمایاند اما در نمایش ظرایف و لطایف به جهت ماهیت خویش که برآمده از خصوصیات و پیشینه فرهنگی اش است، عاجز می نماید. جالب آنکه در این مرحله بنا بر دلایلی که به آن پرداخته خواهد شد، تعامل «درون گفتمانی» محتاج عوامل «برون گفتمانی» می گردد. بررسی و تحلیل این واقعیت که چین شناسان غربی نیز به آن اذعان کرده اند، یکی دیگر از محورهای این نوشتار خواهد بود.

صاحب این قلم بر آنست که نظاره بی واسطه ایران و چین به سیمای یکدیگر در حوزه های مختلف از جمله ادبیات تطبیقی، ظرفیتی عظیم از زایش های فکری و گشایش های نظری را در خویش نهفته دارد که در صورت تحقق، شکفته خواهند شد.

این نوشتار با جمع بندی و ارائه چند راهکار مبنایی از جمله لزوم آغاز «نهضت ترجمه مستقیم» متون اساسی چینی به پارسی بعنوان مقدمه ضروری شکل گیری حرکت به سوی تحقیقات تطبیقی بین ایران و چین پایان می یابد.

## فصل اول: چیستی و لزوم شکل‌گیری «گفتمان شرقی - شرقی»

تا دیده دیده است رخ دل ربای او  
دل در بلای دیده و جان در بلای اوست  
در هر زبان که می‌شنوم گفتگوی ماست  
در هر طرف که می‌شنوم ماجرای اوست

### خواجوی کرمانی

برای اثبات اهمیت گفتگو و تأکید بر لزوم تأمل پیرامون آن نه محتاج اشارات بزرگان حال و گذشته ایم و نه نیازمند بازنگری افکار اندیشمندانی چون مارتین بوبر<sup>۱</sup>، گابریل مارسل<sup>۲</sup> و یا گئورگ گادامر<sup>۳</sup>؛ گفتگوی یکی از اصول بدیهی و ابتدایی (به لحاظ زمانی) و البته مبنایی برای شناخت است. امروز گفتگو به صورت اصلی بدیهی و نیازی غیرقابل انکار در تمام عرصه‌های جامعه بشری از هنر گرفته تا دیپلماسی و از علوم تجربی تا دامنه بی‌پایان علوم انسانی مورد توافق عقلاست و انواع گفتگوها در گوشه و کنار جهان ما در جریان است و به واقع این از ظرفیت بی‌پایان این واژه حکایت دارد که در کنار هر واژه ای می‌توان لفظ گفتگو را نشان داد و به مباحثه پیرامونش نشست.

بدون نیاز به تطویل مباحث تئوریک بی‌پایان پیرامون "گفتگو" این امر که امروز گفتگو از سوی تمامی مراکز علمی جهان به عنوان یک روش شناختی مورد تأکید و تأیید قرار دارد می‌تواند نقطه آغازی بر این نوشتار باشد. باز بدون نیاز به تکرار مکررات اشاره می‌شود که از جمله مهم‌ترین ابزار گفتگو و دیالوگ در طول تاریخ، زبان<sup>۴</sup> بوده و یکی از اهداف غایی تأسیس رشته‌های آموزش زبان‌های خارجی در

۱ Martin Buber

۲ Gabriel Marcel

۳ Hans-Georg Gadamer

۴ Language

مراکز علمی جهان ورود به فضای گفتگو با عالمی جدید است. گفتگویی که چارچوب های آن به هر فرد و مجموعه ای باز می گردد. اما آنچه در این میان اهمیت دارد، تحقق فضای گفتمانی بین دو نقطه معرفتی است. از جمله اهداف گفتمان معرفتی همانگونه که از نامش هویداست، معرفت و شناخت است. این شناخت چه از رهگذر مطالعه متون و به بیانی "گفتمان صامت" و چه از لحاظ برقراری "ارتباط کلامی" باشد، به ایجاد نوعی معرفت از نقطه مقابل در فرد خواهد انجامید.

تلاش مراکز علمی جهانی برای آموزش زبان های خارجی به دانشجویان و علاقه مندان در وهله نخست و ورود به مباحث عمیق تاریخی، علمی و پژوهشی در مراتب بالاتر در واقع حرکتی در همین چارچوب محسوب می شود.

هر چند که شکل گیری چارچوب های علمی - اجرایی در مراکز تحقیقاتی کشورهای مختلف به عنوان یکی از گام های نخستین ورودی به مسیر شناخت قابل ارزیابی است اما ایجاد نوعی "اجماع" پیرامون موضوع گفتگو چه در جوامع کوچک از جمله محیط های دانشگاهی و چه در محیط های بزرگتر از جمله جامعه بین الملل، از دیگر لوازم مهم تحقق اهداف مورد نظر در چارچوب شناخت متقابل است.

مسئله مهم در این رابطه آن است که چندین سال قبل و در جریان پیشنهاد ارزنده ای که از سوی جمهوری اسلامی ایران ارائه شد، نوعی اجماع جهانی بر سر مقوله گفتگو آن هم با مختصات میان تمدن ها شکل گرفت. به رغم محبوبیت جهانی این ایده مبارک و اقبال بین المللی به آن، نگاه غالب موجب شد که پدیده گفتگوی تمدن ها عموماً به عنوان فرآیندی که باید بین دو قطب شرق و غرب عالم رخ دهد مورد توجه قرار گرفت و مسئله "گفتگوی درون محیطی" در چارچوب آن به شکلی خاص مغفول واقع شد.

از جمله علل مهم این مسئله نگاه جهانی به پدیده گفتگوی تمدن ها به عنوان

جایگزینی به جای ایده "برخورد تمدن‌های"<sup>۱</sup> ساموئل هانتینگتون<sup>۲</sup> بود. به بیان دیگر از آنجا که محور اصلی ایده هانتینگتون را برخورد تمدن‌های شرقی و غربی تشکیل داده بود، نظریه ایرانی گفتگوی تمدنها نیز به گونه‌ای نانوشته به گفتگوی تمدن‌های شرقی و غربی منحصر و متمرکز شد.

جدای از لزوم شکل‌گیری گفتگوی میان تمدن‌ها اعم از شرقی و غربی آنچه که نگارنده این سطور بر آن تاکید دارد، "گفتگوی شرقی - شرقی" نه تنها به عنوان عاملی معرفت‌ساز بین تمدن‌های شرقی که در مراتب پیشرفته‌تر به عنوان مقدمه اساسی شکل‌گیری گفتگوی غرب و شرق است. از جمله نکات مهم مغفول در این جریان، عدم اجماع تمدن‌های شرقی بر هویتی با مختصات شرقی است. پر واضح است که با نامشخص بودن مرزهای هویت شرقی و خلاء گفتمانی در شرق (نه به لحاظ جغرافیایی صرف که به معنای مجموعه‌ای شامل عقلانیت، معنویت و سنت‌های ملی)، انتظار شکل‌گیری گفتگوی معرفتی شرق و غرب کمی دور از واقع‌انگاری است.

ضرورت گفتگوی شرق با شرق یا گفتمان سنن، عقول، متون و اندیشه‌های فلسفی و معنوی شرقی اعم از چینی، پارسی، ژاپنی، کره‌ای، مالایی، عربی، هندی و صدها مورد مشابه، مسئله‌ای است که در حال حاضر از سوی کشورهای توسعه‌یافته شرقی در فرآیندی آهسته ولی پیوسته در پیش گرفته شده و کشورهای به اصطلاح امروزین در حال توسعه نیز به فراهم آوردن ابزار آن مشغول گشته یا در گام‌های ابتدایی آن به سمت جلو در حرکتند.

یادآوری این نکته نیز ضروری است که آنچه تا به امروز به عنوان سنت شرق شناسی<sup>۳</sup> از سوی محققان غربی ساماندهی، پیگیری و اجرا شده، روندی غربی

۱ Clash of Civilizations

۲ Samuel P. Huntington

۳ Orientalism

است. در اینجا مقصود از غرب یا غربی، نه نگاه مرسوم به غرب به عنوان کشورهای استعمارگر یا پیشرفته و مدرن است بلکه منظور بررسی شرق از روزه نگاه غرب است. به بیان دیگر آنچه عمدتاً در دهه های گذشته و در حوزه شرق شناسی بروز و ظهور یافته نوعی از "شرق شناسی غربی"<sup>۱</sup> بوده که هر چند میراثی گرانبها را برای غربیان و شرقیان بر جای گذاشته اما حداقل برای تحقق "گفتمان شرقی - شرقی" کفایت نکرده و به رغم گشایش مسیر شناخت و ایجاد افق های مطالعاتی ارزشمند، تنها برخی شروط لازم برای این فضای درون گفتمانی را مهیا می سازد.

ادامه این بحث فضایی چندلایه را ایجاد می کند که در سطور آتی با نگاهی جزئی تر لایه های مختلف آن تجزیه و تحلیل خواهند شد.

بر این مبنا می توان سنت های عقلانی غرب و شرق را به شکل دو دایره ای که تا نیمه با یکدیگر اتصال دارند توصیف کرد که در مواردی اشتراک، در مسائلی افتراق و در بخش هایی نیز راه خویش را پیموده اند. (تصویر شماره ۱)



دقیقا در همین ابعاد می توان در عالم شرق و برای خانواده کشورهای شرقی به لحاظ جغرافیایی، مجموعه ای از دوایری را ترسیم کرد که تا نیمه یا به مثابه شباهت ها و تفاوت هایشان کمی بیش یا کم تر از نیمه با یکدیگر اتصال دارند و بخش های مشترک شان حاوی نقاط اشتراکی و مابقی فضا بیانگر دیگر موارد اندیشه ای آنان خواهد بود. (تصویر شماره ۲)



در چنین فضایی برد ذهن غربی برای دریافت مفاهیم شرقی در گام نخست به دامنه اشتراکات محدود می گردد؛ مطالعات دقیق و بررسی های کارشناسی میدانی و غیر از آن، پژوهشگر غربی را به مواردی از افتراقات فکری با جوامع شرقی نیز رهنمون خواهد شد. در مراحل پیشرفته تر، مواردی از اندیشه های اختصاصی جامعه هدف نیز بر محقق آشکار خواهد گشت اما از جایی به بعد و در حوالی حوزه هایی که معارف به ویژه در حوزه معارف شرقی، رنگ و بوی مفاهیم "حضوری" در برابر علوم "حصولی" را به خود می گیرد، پای فرد بیگانه به این عرصه سخت بی تمکین می گردد.

طبعاً منظور از بیگانه در اینجا فرد ناآشنا با کلیات یا حتی جزئیات یک روال فکری یا سنت معنوی نیست بلکه مقصود شخصی است که به سبب بعد جغرافیایی از دریافت و درک عمیق پاره ای از معارف محیطی که مجموعه ای از سنت ها، آداب، رسوم، اخلاق، انوار و ... را شامل می شود، محروم بوده است. هر چند پس از ذکر این نکته بیدرنگ عبارت معروف "بعد منزل نبود در سفر روحانی" به ذهن متبادر می گردد اما به هر حال نمی توان منکر تاثیرات عمیق روحی و روانی یک محیط بر معارف یک شخص چه از نوع حصولی و چه حضوری اش شد.

چنین مشکلی هر چند که در مواجهه شرقیان با تفکر غربیان نیز رخ می نماید اما مواجهه یک انسان غربی با فضای تفکر شرق به مراتب دشوارتر و پیچیده تر از حالت مقابل آن است. به گفته داریوش شایگان «در شرق، علم هرگز به معنای علم

جدید غربی پدید نیامد، زیرا که عالم هرگز دنیوی نشد و طبیعت از روحی که حاکم بر آن بود، منفک نگشت و تجلیات الهی از صحنه عالم روی بر نتافت. شرق هرگز فلسفه تاریخ بوجود نیاورد، زیرا که وجود هرگز چون در فلسفه هگل به صرف فاعلیت و "فراشد" تحویل نشد.<sup>۱</sup>

به هر حال سخن اینجاست که شناخت آن شرقی که به گفته فرانیس بیکن<sup>۲</sup>، "بت های ذهنی"<sup>۳</sup> متعدد تار و پود اندیشه ها و سنن اش را به خود در پیچیده به مراتب دشوارتر از آن است که در مطالعات چند ساله و تلاش های بی وقفه شرق شناسان غربی تمام و کمال حاصل شود و دقیقا با عنایت به همین واقعیت است که برخی مراکز مطالعاتی غربی به بهره گیری از اندیشمندان و محققان بومی در مراکز دانشگاهی و فکری خود روی آورده اند. آنها به خوبی دریافته اند که یک آفریقا شناس تمام عیار باید آفریقایی باشد یا حداقل یک عمر را در آن دیار گذرانده باشد و یک چین شناس یا ایران شناس و اسلام شناس واقعی کسی است که غیر از شیفتگی نسبت به هنر، فرهنگ و سنت های این غول های تمدنی، بخشی از این موارد را با وجود خویش درآمیخته باشد.

در چنین فضایی لزوم شکل گیری گفتمان شرقی - شرقی بیش از پیش رخ می نماید. آنچه که غربیان برای شرقیان به یادگار گذاشته اند مجموعه ای لازم، عالی و به منزله ابزاری ضروری جهت پیگیری فرایند معرفتی مورد نیاز آنها است. شکی نیست که آنچه اندیشمندان غربی پیرامون سعدی، مولانا یا حافظ به زبان خویش قلمی کرده اند، علاوه بر حرکت ارزشمند نشر معارف این بزرگان، گامی عظیم در حوزه تحقیقات بینافرهنگی بوده اما لب کلام اینکه شناخت یک چینی از رهگذر اندیشمند بریتانیایی با شاعری پارسی گوی چون سعدی شیرازی شناختی ایده آل

۱ شایگان، داریوش - بت های ذهنی و خاطره ازلی - ص ۷۳

۲ Francis Bacon

۳ IDOLS OF THE MIND

نخواهد بود. همچنین است شناخت یک ایرانی نسبت به لائودزه ی چینی از دریچه نگاه محققان و مترجمان آمریکایی. شکی نیست که نکاتی که در ترجمه مستقیم یک اثر عرفانی هندی یا چینی به فارسی بدست خواهد آمد، در ترجمه مشابه یک اندیشمند گرانیماه غربی وجود نخواهد داشت. بهترین نمونه چنین تاثیری برگردان متون ارزشمندی چون اوپانیشادها و دائوده جینگ از سوی فرهیختگانی چون سید حسین نصر و داریوش شایگان برای بزرگانی چون علامه طباطبایی است؛ بدون شک آنچه علامه را به تمجید بی سابقه از کلام لائودزه وامی دارد،<sup>۱</sup> نوع نگاه شرقی اساتیدی چون نصر و شایگان به مفاهیم نهفته در آن است: ما سمیعیم و بصیریم و هشیم، با شما نامحرمان ما خامشیم!

### فصل دوم: جایگاه ایران و چین در گفتمان شرقی - شرقی

"سی دا ون مینگ گو گوآ"<sup>۲</sup> عنوانی است که در چین به گستره چهار تمدن بزرگ و کهن جهانی متشکل از مصر باستان، چین باستان، بابل و هند اطلاق می شود. بر اساس اطلاعات موجود در دایره المعارف های چینی و مجموعه های تاریخی این کشور، اهمیت این چهار حوزه تمدنی، نه به لحاظ زمانی که به جهت تاثیرگذاری عمیق آن ها در حوزه فرهنگ و اندیشه بشری قابل توجه است.

با واکاوی نه چندان عمیق می توان دریافت که بخش قابل توجهی از تاریخ تمدن بابل و حواشی آن با تاریخ ایران در هم تنیده و از سوی دیگر میراث دار امروز بخش اعظم آنچه به عنوان تمدن کهن چین نامیده می شود نیز سرزمین امروزی جمهوری خلق چین است.

نگارش در باب روابط تاریخی این دو کشور از دیرباز تا به امروز یا به تکرار مکررات منجر خواهد شد و یا به جهت حجم عظیم منابع چینی در این باب و لزوم

۱ جهاننگلو، رامین - داریوش شایگان: زیر آسمان های جهان - ص ۷۰

۲ 四大文明古国: si da wen ming gu guo

انجام بررسی های دقیق پیرامون آن بحث را به درازا کشانده و از محور اصلی خود دور خواهد ساخت. در این مختصر و برای نمونه تنها اشاره به این نکته مکفی است که در کتاب "یادداشت های تاریخی چین"<sup>۱</sup> به عنوان نخستین کتاب حاوی اصل تاریخ نگاری با مشخصات امروزی که قدمت آن حداقل به ۱۰۰ سال قبل از میلاد حضرت مسیح (ع) باز می گردد، بارها و بارها اسامی و مشخصات و مسائل مربوط به مناطقی که در آن زمان در قلمر اراضی اشکانیان یا ساسانیان قرار می گرفته ذکر شده و بیانگر توجه چینیان باستان به آن مناطق است.

در چین پیرامون این مسئله مقالات متعددی نگاشته شده و علاوه بر آن در کتابی ارزشمند به قلم پروفیسور یوتای شان<sup>۲</sup> که امروز به دلیل کهولت سن در بستر بیماری است، اشارات مربوط به اراضی غربی چین در متون تاریخی این کشور مورد مذاقه و تحلیل موشکافانه قرار گرفته است.

به رغم مطالعاتی که در چند دهه اخیر در این حوزه و عمدتاً در چین و به خصوص ژاپن انجام شده، امروز حتی بسیاری از مردم چین نیز از این واقعیت غافل اند که آنچه در نخستین یادداشت های تاریخی کشورشان با نام "آن شی"<sup>۳</sup> یا "ساشان گوآ"<sup>۴</sup> و در برخی موارد "بو سه گوآ"<sup>۵</sup> ذکر شده، اشاره ای نه تنها به اراضی غربی و قلمرو آن زمان ایران بوده بلکه در مواردی فرهنگ، عادات و برخی مختصات آن نواحی را نیز مورد ثبت و ضبط قرار داده است.

این نوشتار در پی تروق آثار پرمایه تاریخی چینی و تحلیل آنها نیست اما غرض از طرح این موضوع آن است که مسئله ای به نام "ایران" از هزاران سال پیش در

۱ 史记: Shi ji, Records of the Grand Historian

۲ 余太山: YU TAI SHAN

۳ 安息: AN XI

۴ 萨珊国: SA SHAN GUO

۵ 波斯国: BO SI GUO

اذهان چینیان وجود داشته و در این سونیز سخن از صین، چین، ختای، کاشغر، ختن و ... چه در متون ادبی و چه تاریخی و مذهبی ایرانیان از دیرباز تا کنون اظهار من الشمس است.

این سخن به آن معناست که پایه های گفتگوی معنوی ایران و چین مدتها پیش از این شکل گرفته اما در طول تاریخ و به دلایل مختلف از جمله وقایع بی شمار و پی در پی تاریخی به ویژه در چند قرن اخیر تا حدودی به محاق رفته اما اکنون بار دیگر نشانه های از سرگیری آن در قالبی که نگارنده از آن به عنوان "گفتگوی شرقی - شرقی" یاد می کند، در حال بروز و ظهور است.

امروز در چین موسسات آموزشی و مطالعاتی، تحقیق پیرامون تاریخ و فرهنگ ایران را در دستور کار دارند و غیر از مقدماتی چون آموزش زبان و ادب پارسی، برنامه های علمی و تحقیقاتی از جمله اعزام دانشجویان چینی به ایران جهت دوره های کوتاه مدت چند ترمه از سوی مراکز علمی این کشور انجام می شود. جدای از این مسئله، یکی از مهم ترین اقداماتی که در چین و در حوزه مطالعات ایران شناسی صورت گرفته، ترجمه مجموعه ادب پارسی به همت تعدادی از دانش آموخته های زبان فارسی این کشور است که گامی اصولی و مهم در حوزه گفتمان فرهنگی چین با ایران محسوب می شود.

واقعیت این است که چین در این حوزه از ایران پیشی گرفته و در مجموعه ای نفیس که در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ از سوی انتشارات ادب و هنر خونان<sup>۱</sup> به چاپ رسیده گلچینی از بهترین های زبان و فرهنگ پارسی برای مخاطبان چینی به زبان مادری شان برگردان شده که شامل گلستان و بوستان سعدی (در ۲ جلد)، رباعیات خیام (در ۱ جلد)، اشعار رودکی (۱ جلد)، شاهنامه فردوسی (در ۶ جلد)، مثنوی معنوی مولوی (در ۶ جلد)، و غزلیات حافظ (در ۲ جلد) می شود.

تلاش برای یافتن همتای چنین اقدام منسجم و حساب شده ای در ایران عملن راه به جایی نخواهد برد چرا که مجموعه آثار منتشر شده در کشورمان پیرامون ادب و فرهنگ چین، تنها به آثاری پراکنده و عمدتاً ترجمه شده از زبان های غربی باز می گردد که اغلب از اشکالات ترجمه ای فراوان و یا ناآگاهی تنظیم کنندگان اثر با مختصات اصل موضوع در کشور چین رنج می برد. هر چند که گاه و بی گاه آثار ارزشمندی به زبان پارسی در این حوزه به طبع رسیده اما انسجام و رویکردی که در چین نسبت به این موضوع ایجاد شده، هنوز در ایران شکل نگرفته است.

در واقع مجموعه مذکور که البته آن هم خالی از اشکال نیست، حاصل انسجام مجموعه ای از ایران شناسان چینی آگاه به زبان پارسی حول محوری مشخص بوده که نتیجه آن نیز ارائه حرکت و خدمتی تاریخی به تاریخ و فرهنگ دو کشور در وهله نخست و برداشتن گامی اصولی در چارچوب گفتمان شرقی - شرقی بوده است.

از سوی دیگر هر چند در مقام مذکور، جامعه دانشگاهی چین به مراتب از همتایان ایرانی خود پیشی گرفته اما همت مجموعه تصمیم سازان علمی کشورمان بر تاسیس کرسی های متعدد زبان چینی در دانشگاه های معتبر و برنامه ریزی طولانی مدت حول محور زبان و فرهنگ چینی به منزله آغازی مبارک در این عرصه است که نگارنده از نزدیک در جریان آن بوده و شروع آن را دلیلی بر درک اهمیت موضوع شناخت متقابل از چین در ایران و بالعکس می داند.

مجمل سخن آنکه امروز چه در ایران و چه در چین اهمیت لزوم شناخت یکدیگر بر همگان آشکار گشته اما ساز و کار دقیق این شناخت همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد. نکته قابل اهمیت در این چارچوب آن است که شکل گیری گفتگوی ایران و چین در فضای گفتمان شرقی - شرقی، به مراتب فراتر از مذاکرات دیپلماتیک، برنامه های فرهنگی یا مناسبات اقتصادی دو کشور و روندی است که از سوی دانش پژوهان و روشنفکران دو طرف آغاز می شود.

هر چند که دو طرف بر لزوم شکل‌گیری چنین فضای گفت‌وگویی اتفاق نظر دارند اما نقطه آغازین این حرکت حداقل در جامعه علمی ایران همچنان مبهم است. اینکه باید شناخت چین را از کجا آغازید؟ نقطه عزیمت ما برای گفت‌وگوی فرهنگی و دستیابی به معرفت علمی در حوزه چین‌شناسی باید در چه حوزه‌ای تعریف شود؟ و سئوالاتی از این قبیل همگی مواردی‌اند که هنوز پاسخ قطعی‌شان روشن نیست.

نگارنده با توجه به مستندات علمی و پژوهشی "ادبیات تطبیقی" را به عنوان نقطه عزیمت شایسته در حوزه گفت‌وگومان شرقی - شرقی برای ایجاد شناخت اولیه از کشور چین و به بیانی چین‌شناسی مدنظر دارد. ریشه‌یابی این موضوع و دلایل آن در فصل آتی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

### فصل سوم: ادبیات تطبیقی؛ روزنه ورود به عالم مشترکات ایران و چین

پیش از قرن بیستم، از زمان سلسله هان شرقی، چین بیشترین تاثیر را از هند و از طریق ترجمه متون مذهبی و ادبی آن کشور می‌پذیرد. از اوایل قرن بیستم تا دهه ۱۹۳۰، ادبیات روسیه جایگاه مهمی در ادبیات چین پیدا می‌کند. در این دوران، رمان نویس‌های چینی تحت تاثیر نویسندگان کلاسیک و معاصر روس و سنت‌های ادبی آنان سبب رونق و شکوفایی ادبیات چین می‌شوند. از ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰، با ترجمه آثار نویسندگان اروپایی مکتب فرانسه، ادبیات تطبیقی در آثار نویسندگان چینی جایگاه خاصی پیدا می‌کند. از ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، پژوهش‌های مهمی در این حوزه در چین حاصل نمی‌شود. پس از دهه ۱۹۹۰ با کارهای پژوهشگران چینی و آگاهی از نظریات غربی، ادبیات تطبیقی در چین ماهیت چند بعدی پیدا می‌کند و توانمندی‌های ادبیات خود را بیشتر می‌شناسد و در عین حفظ اصول فرهنگی و ادبی چین، به گفت‌وگو و تعامل ادبی با غرب می‌پردازد. با آنکه ادبیات تطبیقی در چین هنوز با چالش‌هایی روبروست، اما بسیاری از

تطبیقگران چینی از این دشواری ها آگاهند و می کوشند با نگرشی علمی به پژوهش در حوزه های جدید ادبیات تطبیقی، مانند ادبیات تطبیقی و ترجمه پژوهشی یا ادبیات تطبیقی و مطالعات فرهنگی، راه جدیدی برای گسترش هر چه بیشتر این رشته در چین بگشایند.<sup>۱</sup>

نگارنده این سطور در جریان گفتگوی حضوری با پروفسور چن یوئه هونگ<sup>۲</sup>، از چهره های سرشناس کشور چین در حوزه ادبیات تطبیقی و مولف کتاب نظریه ادبیات و شعرشناسی تطبیقی<sup>۳</sup> که از جمله متون پایه درسی دوره دکترای ادبیات تطبیقی دانشگاه پکن است، دریافت که امروز هر دو شیوه فرانسوی<sup>۴</sup> و آمریکایی<sup>۵</sup> مطالعه تطبیقی در حوزه ادبیات در دستور کار مراکز تحقیقاتی کشور چین قرار دارد.

این استاد برجسته دانشگاه پکن و رئیس گروه زبان و ادبیات چینی این دانشگاه، لزوم انجام مطالعات تحقیقی بین متون فرهنگی و ادبی ایران و چین را مورد تاکید قرار می دهد و از عدم شکل گیری گفتمان بی واسطه بین ایران و چین گلایه دارد.

از سوی دیگر پروفسور چن در کتاب معروف خود که بارها در کشور چین بازنشر شده، مطالعه تطبیقی به خصوص در حوزه ادبیات و شعر را یکی از وسائل مهم مطالعات بینافرهنگی توصیف می کند<sup>۶</sup> و شکل گیری مطالعات شعرشناسی تطبیقی را یکی از نتایج طبیعی تعمق در رشته ادبیات تطبیقی می داند.

۱ حجازی، ناهید- پیدایش و رشد ادبیات تطبیقی در چین - ادبیات تطبیقی ۲/۳ (پائیز و زمستان ۹۱)

۲ 陈跃红: CHEN YUE HONG

۳ 比较诗学导论: BI JIAO SHI XUE DAO LUN

۴ French School

۵ American (USA) School

۶ YUE HONG - CHEN, BI JIAO SHI XUE DAO LUN, P ۱۷.

از جانب دیگر پروفیسور دای جینگ هو<sup>۱</sup>، رئیس مرکز مطالعات فرهنگی و تطبیقی دانشگاه پکن و از دیگر اساتید سرشناس گروه زبان و ادبیات چینی مهم ترین دانشگاه چین در حوزه علوم انسانی در گفتگویی رودرو با صاحب این قلم حوزه های مختلف مطالعات تطبیقی از جمله سینمای تطبیقی را در کنار ادبیات از جمله ابزارهای شناخت واقعی ملت ها از یکدیگر توصیف می کند و بر لزوم تعمق در حوزه های مختلف مطالعات تطبیقی چین با کشورهای مختلف تاکید می ورزد. غرض آنکه امروز مراکز مطالعاتی چین، با اذعان به اهمیت بررسی های تطبیقی، شاخه های مختلف این نوع بررسی را با پشتیبانی های مادی و معنوی فعال کرده و برگزاری نشست های متعدد، کنفرانس های پی در پی و جلسات نقد و بررسی که گاه و بی گاه در این مراکز برگزار می شود، گواهی بر این مدعایند. اما تاکید بر "ادبیات تطبیقی"<sup>۲</sup> در عرصه شناخت متقابل ایران و چین تاکید هدفمند است. در این خصوص نگارنده این سطور جلسه چندی پیش با پروفیسور لیو یونگ<sup>۳</sup> معروف به گ فی<sup>۴</sup> که از جمله نویسندگان معاصر چین بوده و اخیراً به سبب دریافت جوایز معتبر ادبی کشور چین از جمله جایزه ادبی لوشون<sup>۵</sup> با اقبال گسترده بازار نشر نیز مواجه شده را به یاد می آورد. پروفیسور لیو در آن جلسه تاکید کرد که هر کس خواهان آشنایی با روحیات، اخلاقیات و حساسیت های رفتاری مردم چین باشد، باید رمان "سه کشور"<sup>۶</sup> که یکی از مهم ترین آثار ادبی چین و یکی از چهار اثر برتر ادبی این کشور<sup>۷</sup> محسوب می شود را مطالعه کرده باشد یا حداقل بخش هایی از آن را با دقت بررسی کرده باشد.

۱ 戴锦华: DAI JING HUA

۲ Comparative literature

۳ 刘勇: LIU YONG

۴ 格非: GE FEI

۵ 鲁迅文学奖: LU XUN WEN XUE JIANG: Lu Xun Literary Prize

۶ 三国演义: SAN GUO YAN YI: Romance of the Three Kingdoms

۷ 四大名著: SI DA MING ZHU: Four Great Classical Novels

نکته قابل توجه در این رابطه آنست که متون ادبی در اغلب جوامع شرقی از جمله ایران، چین، هند یا بسیاری از کشورهای عربی، صرفاً متونی ادبی نیستند بلکه به نوعی بازتاب روحیات، اخلاقیات و در یک کلام حامل کوله بار فربه سنت های سالیان دراز این جوامع محسوب می شوند و ای بسا همین ویژگی است که آثاری چون گلستان سعدی، مثنوی معنوی مولوی یا دیوان خواجه حافظ شیرازی را فراتر از چارچوب های محدودساز زمانی، به کتاب هایی برای تمام اعصار مبدل کرده است.

جالب آنکه دقیقاً چنین فضایی بر کلاسیک های چینی نیز سایه افکنده و بخش قابل توجهی از آثار ادبی این کشور را به آئینه ای تمام عیار جهت شناخت این قوم مبدل ساخته است. شخصیت امروزی یک چینی از این جهت که میراث دار تمدنی چند هزار ساله است و سالکی در مسیر تجدد، بسیار شبیه به یک ایرانی، هندی یا فردی مالایی است. اینان کسانی اند که در عین تفاوت های شان به گونه ای اسرار آمیز زنجیره ای از علایق متجددانه و دلبستگی های سنت محور را با خویش حمل می کنند.

دلبستگی به سنت خوشنویسی، دلخوشی به نوشیدن یک فنجان چای عصرانه در آلات مخصوص با شمایل کهن، آغاز و پایان کلام با اشعار کلاسیک، برگزاری گرم جشن های سنتی چند هزارساله و مواردی از این دست که کم هم نیستند، همگی از جمله دلبستگی ها و دلخوشی هایی محسوب می شوند که به صورت لایه لایه در روحیات و ذهنیات انسان شرقی تاثیر گذاشته و شخصیت کنونی او را ساخته اند.

مکاتب فلسفی در جوامع سنتی علیرغم اختلافات فاحش خود، از چشمه ای واحد الهام می گیرند و دیدی مشابه از انسان و روح و عاقبت او دارند و این عاقبت کم و بیش معطوف به هدفی یگانه است که در معنویت کهن مشرق زمین همواره نوعی تکامل معنوی بحساب می آید که از طریق اشراق تحصیل می گردد.<sup>۱</sup>